

دو فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادب معاصر عربی
سال چهارم / ۹ پیاپی / ۷ علمی و پژوهشی (۱۳۹۳)

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر

نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان*

دکتر نرگس انصاری^۱ استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده:

شعر معاصر عربی با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی مختلف در کشورهای عربی بخوبی انعکاس دهنده نگاه متفاوت آنها به امام حسین و عاشورا است. به ویژه زمانی که عصر جدید، انسان معاصر را در فضایی نزدیک به قرن اول قرار می‌دهد، تجلی عاشورا با نمودهای متفاوت آن تمایزاتی را در ادبیات هر کشور ایجاد می‌کند. از این رو مقاله حاضر تلاش می‌کند با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی شعر حسینی در قالب موقعیت‌های جغرافیایی، نگاهی جامع نسبت به شاعران و نوع نگاه آنان به شخصیت سیدالشهداء و عاشورای ایشان در اشعارشان ارائه دهد، و از طرف دیگر با توجه به تفکیک منطقه‌ای، تفاوت‌های اقلیمی را در پرداختن به موضوع روشن سازد. اما با توجه به گستردگی این کشورها و اختلاف شرایط سیاسی و اجتماعی آنها، سه کشور عراق، مصر، لبنان، به عنوان کانون‌های مهم ادبیات عربی انتخاب گردید. حضور پررنگ مضامین حسینی در شعر عراقی و لبنانی، صراحت گویی و نمادگرایی شعر این دو منطقه در مقابل حضور جزئی و نمادین شعر مصری برای تصویر چالشهای معاصر، و نگاه حماسی و انقلابی شعر لبنانی به عاشورا بخشی از نتایج پژوهش حاضر است.

کلیدواژه‌ها: شعر عاشورایی، عراق، مصر، لبنان.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۳/۰۸

*تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۰۹

۱-نشانی پست الکترونیکی نویسنده: narjes_ansari@yahoo.com

۱-مقدمه

۱-۱-نگاهی به وضعیت شعر متعهد و عاشورایی در عراق، مصر و لبنان

بررسی روند شعر عاشورایی عربی در مسیر تاریخ و صرف نظر از محیط های جغرافیایی آن نشان می دهد این شاخه مهم از ادبیات متعهد در طول تغییر و تحولات خود در مقایسه با ادبیات فارسی مسیری نزولی و از قوت به سوی ضعف، از صراحت به ابهام پیموده است. (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۵۳۲) علم به این مسیر حرکتزمانی مفید خواهد بود که بدانیم در اغلب اشعار شاعران، امام و عاشورا تنها به صورت نمادین و در اشاره به موضوعات معاصر ذکر گردیده است. این شیوه در مناطق جغرافیایی با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی و حتی ادبی حاکم از شدت و ضعف برخوردار است.

عراق به عنوان موطن اصلی حماسه کربلا، از آغاز شکل گیری این نهضت و در طول تاریخ، شاهد درخشش شاهکارهای شعری بسیاری بوده است؛ لذا می توان ادعا کرد شعر متعهد عراق در میان کشورهای عربی، گوی سبقت را در زمینه خلق آثار عاشورایی و پرداختن به شخصیت سید الشهداء از دیگران ربوده است. مجموعه چندجلدی (شعراء الغری) که تنها به گردآوری آثار برجستگان شعر و ادب شهر نجف پرداخته، تنها نمونه ای از این دریای گسترده ادب است. اشعار شاعران عراق از گذشته تا دوره معاصر همگام با جریان شعر عربی، با زبان صریح و مستقیم از امام حسین (ع) و عاشورا سخن گفته است. انا با ظهور مکتب سمبولیسم، عراق به عنوان یکی از کانون های اصلی شعر و ادب عربی در کنار مصر و شام در زمینه این شعر دینی نیز شاهد تحول گردید و در کنار دیگر اشعار، شعر رمزی و آمیخته با ابهام نیز شکل گرفت. از شاعران حسینی سرای عراق می توان به شاعرانی چون: حسن السنید (جواد جمیل)، عبدالرزاق عبدالواحد، جواهری، مظفر النواب، احمد وائلی، ابراهیم نصیراوی، احمد مطر، سیاب، عبدالحسین الازری، و ... اشاره نمود.

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۷۷

مصر به عنوان مهمترین مهد ادبیات عربی آغازگر تحولات ادبیات عربی در دوره معاصر شد و شاعران و ادیبان برجسته‌ای را در دامن خود پرورش داد. اما ادبیات متعهد و به خصوص پرداختن به شخصیت امام حسین (ع) در طول دوره‌های تاریخی آن چندان برجسته نمی‌نماید. در دوره معاصر مصرافرادی برجسته چون عبدالرحمان شرقاوی با نمایشنامه شعری (الحسین شهیداً تائراً) چهره‌ای نمایان به شمار می‌آیند. می‌توان گفت «وجود زیارتگاه رأس الحسین و السیده زینب زمینه شکوفایی این فن را در مصر فراهم نموده است.» (خزعلی، ۱۳۸۶، ص ۱۷) احمد شوقی از دیگر شاعران مصری است که هر چند بسیار اندک اما در شعرش از امام سخن می‌گوید. او نیز همچون امل دنقل و عبدالمعطی حجازی، امام را به زبان رمز در شعر به تصویر کشیده است.

لبنان و به خصوص منطقه جنوب لبنان نیز به عنوان جبهه مقاومت اسلامی پیشتاز حکایت مقاومت در صورت‌های شعری است. جنوب لبنان که تحت عنوان «جبل عامل» شناخته می‌شود، در کنار عراق یکی از زرخیزترین سرزمین‌هایی است که شاهد شاعران حسینی سرای بسیاری بوده است. محمد علی شمس الدین از شاعران برجسته لبنانی با اشاره به عناصر و ویژگی‌های جنوب لبنان و تاریخ ریشه دار و وجود رجال و دانشمندان، علمای دینی و مبارزین ضد ستمگران بسیار تاکید می‌کند: «جنوبی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل مقاومتشان در برابر استعمار فرانسه و بعد آن در مواجهه با اشغالگران فلسطین شهرت یافتند. آنها به مقاومت آشتی ناپذیرشان با اسرائیل مشهور هستند. به علاوه جنوب به دلیل بافت اجتماعی و دینی‌اش (اکثریت غالب شیعه) و برپایی شعائر دینی خصوصاً در عاشورا و احیاء ذکر امام حسین (ع) و اصحابش شهرت دارند؛ لذا شعرای جنوب در سرودن قصاید حماسی‌ای که از گذشته الهام می‌گیرند و بر زمان حاضر تطابق می‌دهند، بر هم سبقت می‌گیرند.»^۱ (www.seratnews.ir) نورالدین نیز با بررسی انعکاس عاشورا در سرزمین‌های مختلف در طول تاریخ با تأکید بر این نکته که آیین‌های عاشورایی تا قرن‌ها به طور بارز

در عراق و ایران برپا بوده است، درباره عاشورا در لبنان و به خصوص منطقه جبل عامل می‌گوید: آزادی دینی در دوره معاصر، برای لبنان فرصتی طلایی بود تا آیین‌های حسینی را گسترش دهند و این امر از نظر فکری و ادبی و تربیتی، اجتماعی و سیاسی بسیار تاثیرگذار بوده است و شرایط پیچیده معاصر و ظلم و استبداد صهیونیستها به مردم لبنان ماده اصلی این آیین‌ها به شمار می‌آمد. وی در ادامه درباره وضعیت شعر عاشورایی در این منطقه بیان می‌کند در جنوب لبنان کمتر شاعری است که در اشعار خود به حادثه عاشورا نپرداخته باشد. (نورالدین، ۱۴۰۸، ص ۶۰-۶۱ و ص ۸۵)

ویکتور آلکک، استاد زبان فارسی دانشگاه بیروت که مطالعات متعددی در ادبیات فارسی انجام داده است در بیان تأثیر امام حسین در میان ادیبان عرب چنین می‌گوید: بررسی آثار نویسندگان مشهوری چون: «جرجی زیدان»، «جبران خلیل جبران» و «جرج جرداق» نشان می‌دهد که از دیرباز ادیبان مسیحی لبنان ریشه مقاومت را در قیام اباعبدالله الحسین (ع) جست‌وجو کرده‌اند. وی به نقش آموزنده حماسه حسینی در مقاومت لبنان پرداخته و خاطرنشان می‌کند: مقاومت لبنان عقیده و الگوش را از شهادت امام حسین (ع) و یارانش گرفته است و با این ایدئولوژی معنوی بود که به پیروزیهای دست یافت. (قربانی، ۱۳۹۰، www.sedayeshia.com/showdata) از دیگر شاعران این سرزمین می‌توان به شاعران برجسته‌ای چون سعید العسیلی، بولس سلامه، محسن الامین و... اشاره کرد.

۲-۱- پیشینه تحقیق

در حوزه شعر عاشورایی و حسینی عربی آثار و مقالات متعددی نگاشته شده است که بارزترین آنها کتاب «امام حسین در شعر معاصر عربی» تألیف انسیه خزعلی؛ «عاشورا در آینه شعر معاصر عربی و فارسی» نوشته نرگس انصاری؛ کتاب «لیلۀ عاشوراء فی الحدیث و الأدب» از عبدالله الحسن، و اشعار عربی گردآوری شده چون ادب الطف از جواد شبر؛

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۷۹

«اجراس کربلا» از محمد سعید الطریحی؛ «کربلاء بین شعراء الشعوب الاسلامیه» از حسین مجیب مصری و مجموعه چندجلدی «المدخل فی الشعر الحسینی» از محمدصادق الکرباسی را می‌توان نام برد، اما به جرات می‌توان گفت این آثار با رویکرد اقلیمی، و روش مقایسه‌ای به تحلیل محتوای اشعار سروده شده در کشورهای عربی پرداخته‌اند تا ضمن روشن ساختن اشتراکات، رویکردهای متفاوت هر منطقه را نیز مشخص سازند.

۳-۱-هدف تحقیق

لذا در پژوهش حاضر پس از ارائه مقدمه ای پیرامون وضعیت شعر متعهد و عاشورایی در سه کشور عراق به عنوان کانون اصلی شعر عاشورایی و مصر و لبنان به عنوان کانون‌های مهم ادبیات عربی، به معرفی شاعران برجسته در هر کشور و تحلیل آثار شاعران و نوع نگاه آنها به امام حسین و حضور عاشورا در شعرشان خواهیم پرداخت.

۴-۱-سوالات تحقیق

- مضامین شعر عاشورایی و حسینی در کدام کشور برجسته‌تر می‌نماید؟
- شاعران هر کشور بیشتر به چه موضوعاتی در اشعار خود پرداخته‌اند؟
- نقاط مشترک اشعار با توجه به موضوع چه جنبه‌هایی را در بر می‌گیرد؟
- تأثیر محیط و شرایط سیاسی و اجتماعی شاعران چه تفاوت‌هایی در اشعار آنها ایجاد نموده است؟

۲- شعر عاشورایی معاصر در عراق

۲-۱- جواد جمیل و عبد الرزاق عبدالواحد شاعران برجسته عراقی

جمیل (۱۹۵۴م) شاعر و عبدالرزاق از شاعران متعهد عراقی هستند که ابزار شعر را در خدمت بیان معانی بلند معاصر عراقی قرار داده اند. جمیل اولین اشعار خود را در آغاز دهه هفتاد در روزنامه ها و مجلات عراقی به چاپ رساند. وی در انجمن های ادبی و فرهنگی نیز فردی فعال به شمار می آید. دارای مجموعه های شعری متعددی است؛ همچون: (نشید الثورة؛ صدی الرفض و المشنقه؛ یسألونک عن الحجارة؛ للثوار فقط و حکایا المنفی ...) می باشد. دو دیوان «شظایا البحر، حکایا المنفی» وی به زبان اسپانیایی ترجمه شده است. (الحسن، ۱۴۱۸، ص ۲۱۴؛ www.albahrainprize.org/Encyclopedia. www.tebyan.net)

عبدالرزاق (۱۹۳۰) معروف به شاعر «أم المعمارک» و یا «شاعر القادسیه» نیز از جمله موسسان اتحاد الأدباء در عراق به شمار می رود. اولین قصیده خود را سال ۱۹۴۵، و اولین مجموعه شعری خود را ۱۹۵۰ منتشر کرد. او ۴۲ مجموعه و دو نمایشنامه شعری دارد که ده مجموعه آن متعلق به کودکان است. شعرهای وی به زبانهای مختلفی ترجمه شده است. از جمله آثار وی می توان به موارد زیر اشاره نمود: {قمر فی شواطی العماره} مجموعه شعری ۲۰۰۵ {فی مواسم التعب} مجموعه شعری ۲۰۰۶ - {الحر الیاحی} مسرحیه شعریه ۲۰۰۸. دیوان القصائد { ۲۰۰۸ <http://www.abdulrazzak.com> }

۲-۲- امام حسین در شعر جمیل و عبدالرزاق

۲-۲-۱- مضامین حسینی

دیوان ارزشمند و کم حجم (الحسین لغه ثانیة) یکی از برجسته ترین آثار ادبی جواد جمیل به شمار می رود. این دیوان از چند بخش مختلف تشکیل شده است که از همان ابتدا بصورت شعری آغاز می شود: - بخش اهدای کتاب، - قسمت آغازین با یک قطعه کوتاه و سپس

اولین بخش مجموعه یعنی رویاها قرار دارد که شامل ۱۵ رویا می‌باشد. سپس شاعر ۱۰ صحنه از حوادث کربلا را با عنوان (المشاهد) به تصویر می‌کشد و پس از آن به ابعاد برخی از شخصیت‌های حاضر در کربلا، با عنوان‌های متناسب با شخصیت آنها چون (بعد ثابت، متغیر، ترسان، سیاه، خیالی، زشت، خاکستری، خونین، سیاه، مجنون) به معرفی آنها می‌پردازد. بخش پایانی دیوان وی نیز بخش پیشگویی‌هاست که از ۱۳ بخش تشکیل شده است. وی افزون بر دیوان مذکور دو قصیده دیگر با عنوان (لیلۃ الاسی والدموع - ودعینی) درباره عاشورا و حماسه امام حسین (ع) دارد. این دو شعر نیز انعکاس تجربه شاعر در دیوانش یعنی (الحسین .. لغة ثانیة) است. تجربه بدیع شاعر در این اثر و افق شعری وی در این مجموعه در این دو قصیده نیز تاثیر شگرفی نهاده است.

اما از جمله آثار شعری عبدالرزاق در بیان عاشورا و شخصیت سیدالشهداء، قصیده «فی رحاب الحسین» می‌باشد و بیش از آن که شاعر در آن به مویه و ناله بر امام بپردازد، نگاهی توصیفی و عبرت آموز از کربلا دارد. در این شعر، عبدالرزاق پس از آن که به بیان عشق و معرفت خود نسبت به امام پرداخته، آن را به قدمت دوران کودکی خود تا کنون می‌داند. شاعر کربلا را میقات محرم شدن خود معرفی می‌کند و در قسمت آغازین به بازگویی و ترسیم سیمای امام حسین می‌پردازد و وی را نور و هدایت‌گر و پناهگاه بشریت، مایه آرامش و ... می‌داند که هر چند به ظاهر در کربلا به شهادت رسید و بدنش در زیر سم اسبان لگدکوب شد، اما عظمت و بزرگی ایشان پایدار بوده و مرگ اسیر و در بند امام است:

سَلامٌ عَلَیْكَ فَاَنْتَ السَّلَامُ وَ اِنْ كُنْتَ مُخْتَضِبًا بِلَالِمْ
وَ اَنْتَ اللَّائِلِيُّ الْكَبِيْرُ يَا بِمَا دِيسَ مِ نَصْرِ مَدْرِكِ الْاَكْرَمِ

او سپس در ادامه با اشاره به نسب والای ایشان از یاران وفادار امام می‌گوید که چگونه جان خود را در راه او فدا کردند. از خواهر پاک و مریم زمانه ایشان زینب کبری که با فصاحت و سخنوری کاخ گمراهی و ستم را در هم شکست:

بِالْأَلَاءِ هَامُ رَتَقَ مِی رَیْمِ	بِلامٌ عَلَیْهِ تَرْتَقِی
بِصَوْتِ بِأَوْجِهِ مَفْعَمِ	فَرَا حَتَّ تَزْعَزَعُ عَرَشُ الضَّلَالِ
أَمَّامُ فَتَفْجَعُ هَا الْمُلْهَمِ	تَهَاوَتْ فِصَاحَةَ كَلِّ الرِّجَالِ
مُخَضَّبَةٌ بِاللَّمِّ الْعَنَدَمِ	طَهْرٌ مَوَّجَةٌ بِالْحَلَالِ

از این رو بخش بیشتری از شعر به مدح و ثنای شخصیت‌ها بخصوص امام اختصاص داده شده است. و درکنار آن از حر نیز سخن می‌گوید. شاعر آنگاه چون بسیاری از شاعران معاصر در تقارنی زیبا میان کربلا و جامعه عصر خود همانندی برقرار کرده و خود را پیرو راه امام در ظلم ستیزی و مقاومت معرفی می‌کند:

إِفْلُو كِلْسًا إِلَى الْأُظْلَمِ	لِإِنَّ ضَحَّجًا مَنَحَ لَوْلِكَ الظَّالِمُونَ
فَدَحَلُوا مِنَّا يَهْلِنَا تَمِي	تَلْمُورٌ عَلَيْنَا لِعِیُونَ الذَّنَابِ
فَقَدْ خَلَّامَنَا لَهْ نَقِي	خَوَاتِكَا الصَّحْبُ وَالْأَصْفِيَاءُ

اما ديگر اثر برجسته وی نمایشنامه شعری «حر ریاحی» است که به گفته خود شاعر از مهمترین آثار ادبی وی محسوب می‌شود و در سه فصل تدوین شده است. بنا به گفته شاعر نگارش آن هفت سال بطول انجامیده است. شخصیات حاضر در این نمایشنامه عبارت است از: حر ریاحی، ابو حفص عمر، شمر بن ذی الجوشن، یوحنا مهمدان که بریده شدن سر امام حسین یاد بریده شده سر او را در ذهن شاعر زنده می‌کند، کمیل و مالک از یاران شمر، عمار و یاسر و حارث از یاران حسین، خیال حر، خیال شمر، سپاهیان و... حوادث فصل اول این نمایشنامه در اردوگاه حر در نزدیک کوفه اتفاق می‌افتد. این نمایشنامه در ۱۸۱ صفحه نگاشته شده است. فصل اول آن چنین آغاز می‌شود: حر درحالی که تنها در خیمه خود به سر می‌برد، ندای درون و اندیشه خود را می‌شنود که خطاب به او می‌گوید:

المَاجِسُ لَهَا لِحْظَةٌ الْفَلْتَمُ مَخْتَبُهُ رَ كَلِمَاتُكَ أَنْفَسَ هَا / تَتَرَا جَعَلْتُ قَتْلُ عَلَائِي / تُضْرِبُ اللَّيْلَ بَيْنَ ضُلُوعِ لَيْلِي / طَرِيقِيكَ أَوْضَحُ؟ (این لحظه سکوت است، باید سخنان کوتاه باشد، بازمی

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۸۳

گردی؟ و یا اکنون می‌کشی؟ عقربی تاریکی را چون زهری در درونت ریختکدام یک از دو راه روشن تر است؟)

اما حوادث فصل دوم این نمایشنامه یک ماه بعد از شهادت امام حسین و در عصر یکی از روزها در خانه شمر بن ذی الجوشن اتفاق می‌افتد. این بخش از نمایشنامه دارای دو جزء است که یک بخش شمر را در حال حاضر و همراه با دوستانش به تصویر می‌کشد و بخش دیگر صدای شمر را در حادثه کربلا ترسیم می‌کند. در فصل سوم نیز شاعر از شمر می‌گوید که با جوان شجاعی در گفتگو است. در حقیقت شاعر وجود ظالمانی چون شمر و در مقابل شجاعان را در هر دوره و زمانه‌ای ترسیم می‌کند و از طرفی جاودانگی نهضت امام حسین را در دنیای جدید به تصویر می‌کشد.

۲-۲-۲- ویژگی‌های زبانی

بیشتر اشعار مجموعه جواد جمیل در قالب شعر نو و بصورت نمادین سروده شده است. و از نظر نوع رمزهای بکار رفته در آن و تصویرپردازی‌های شاعرانه اثری قابل تأمل است. در حقیقت می‌توان گفت جمیل از جمله شاعران نوگرا و رمزپرداز در شعر عاشورایی عربی است که اشعار خود را سرشار از تعبیر نمادین ساخته است. به عنوان مثال در توصیف "شبت بن ربیع" که با امام بیعت، سپس نقض پیمان کرده و با پیوستن به سپاه دشمن، فرماندهی لشکر باطل گردید، از رمز گل سرخ و زیتون استفاده می‌کند: (بعد خاکستری)

خشب ه لهُرَّایینُ ماتَ الوردُ فیها، و صَوَّحَ الزَّیْتونُ

و یا در توصیف حالت "سنان بن انس" از نماد آینه برای دل استفاده کرده، آینه‌های وجودش را سیاه به تصویر می‌کشد. آینه دلی که زنگار پلیدی و گناه آن را سیاه کرده و نور حقیقت و روشنایی از آن گریزان شده است: (بعد تاریک)

مراياكُ سوداءُ الشمسُ تُهْرَبُ و فی یومِ الحَجِّ تَشاءُ بَ عَقبُ

شاعر صلیب را نیز که نشانه ایمان و اعتقاد است با توجه به سیاق کلام خود، نماد درد و رنج قرار می‌دهد:

يا أَيُّهَا المتمدُّ بينَ جراحِنا والألمىِّ تاءَ الرحيلِ معَ النهارِ ^{بوضوح} .. مَسَّ رَوْنَ عَلى صَليبِ
الإنتظارِ !

از دیگر تصویرپردازی‌های سمبلیک جواد جمیل می‌توان به کاربرد آب که نماد حیات و زندگیست، اشاره کرد. شاعر آن را در چهره گنجشک سفیدی ترسیم می‌کند که گرگان درنده خو و انسان نما بر آن سیطره یافته‌اند: (رویای ۱۳)

كانَ للماءِ وجهٌ عصفورةٌ بيضاءِ أغرى السوادي عليها الذئابا

کاربرد رنگ‌ها در شعر جمیل از جمله خصوصیات زبانی است که در خدمت تصویرپردازی شاعر قرار گرفته است؛ از جمله وی سبزی و سرخی را در کنار یکدیگر مفهوم حیات جاودانه‌ی حاصل از مرگ خونین مجسم می‌کند. شاعر در به تصویر کشیدن امام، ماهی را می‌بیند که از دستانش جدا شده، آنگاه سایه‌ی سبز رنگی را بر روی شن‌های خونین و سرخ رنگ بیابان نقاشی می‌کند. (پیشگویی ۹)

و رأينا ظلَّهُ الأخطوشاً، لجلَى الرَّمْلِ المِ دَمِّى،

نکته قابل توجه در شعرهای جواد جمیل بکار بردن نمادهای نو و ابتکاری در مفاهیم جدید است. تناسب این نمادها با فضای شعر و تصویر شاعر نیز خود قابل تأمل است؛ به عنوان مثال زمانی که در تعبیری زیبا و تصویری از حرمله سخن می‌گوید، او را غرق شده در دریای خونی تلخ به تصویر می‌کشد. خون کودکی پاک و معصوم که در کربلا به تیر او بر زمین ریخت. استفاده از تعبیر دریاچه، نشان از کوچکی صاحب خون دارد: (بعد خونین)

ومندُ أنْ قتلُوقْتِ، / في بؤرة من دمِّهِ المرِّ. فإلا أقدرُ أنْ أحياء. ولا أقدرُ أنْ أموتُ !!

اما قصیده عبدالرزاق در قالب کلاسیک سروده شده است. او در شعر خود صراحت را در پیش گرفته و بخش بیشتر آن را با سبک خطابی نسبت به امام به پیش می‌برد. او آنگونه که

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۸۵

جمیل نماد را به عنوان سبک برجسته خود برگزیده، از این تصویر شعری بهره چندانی نگرفته است. نمونه کاربرد نماد در شعر او، استفاده از سمبل گرگ‌هاست که تعبیری از ظالمان و ستمگران است:

تَدورُ عَلَيْنَا عِيونُ الدَّئابِ اِفْنَحْتَمِنُ اِيْهَا نُحْتَمِي

اگرچه دیگر صورخیال در اشعار او دیده می‌شود؛ به ویژه تصاویر استعاری و تشبیهی. مانند اینکه شاعر امام را همزاد خورشید و درخشش آن می‌خواند:

و مَادَارَتِ الشَّمْسُ الْاَلَّ وَ اَنْتَ لَـلْاَعْلَـكُـالْاَـخِ التَّـوَامِ

۳- شعر عاشورایی و حسینی معاصر در مصر

۳-۱- فاروق جویده، أمل دنقل و عبدالمعطی حجازی شاعران برجسته مصری

فاروق جویده (۱۹۴۶) شاعر، نویسنده، ادیب و روزنامه نگار عرب. دو قصیده (اغضب و ارحل) از مشهورترین آثار اوست. او یکی از بلندگوی‌های متمایز و صادق در جریان شعر عربی معاصر به شمار می‌آید. انواع قالب‌های شعری را در حیات ادبی خود تجربه نموده است. نقطه شروع وی در شعر با شعر کلاسیک بوده که به نظم نمایشنامه‌های شعری منتهی شده است. این شاعر جوان مصری دارای ۲۰ تالیف می‌باشد که ۱۳ عنوان از آن جزء مجموعه‌های شعری اوست. وی همچنین ۳ نمایشنامه شعری دارد که در جشنواره‌های مختلف با استقبال و موفقیت بسیاری روبرو شده است. (فاروق جویده، www.adab.com)

امل دنقل (۱۹۴۰) وی در قالب کلاسیک شعر می‌سرود. او به تعهد ملی و قصیده‌های سیاسی شهرت یافته است. اما شعر وی از نظر خروج از افسانه‌های یونانی و غربی که در دهه ۵۰ حاکم بود اهمیت دارد. همچنین بازخوانی رمزهای تاریخ عربی برای تأکید بر هویت عربی از دیگر ویژگی‌های شعر اوست. دنقل ۶ مجموعه شعری دارد که اولین دیوان وی "البکاء

بین دیدزرقاء الیمامه" (۱۹۶۹) است و بیانگر احساس جامعه عربی در مقابل نکسه ۱۹۶۷ است. (دنقل، لاتا، ۳۸۵؛ جحا، ۱۹۹۹، ص ۲۴۱)

عبدالمعطی حجازی (۱۹۳۵) نیز از نخستین نوپردازان معاصر، در زمان تحصیل خود در دانشسرای معلمان در مناسبت‌های مختلف، قصائد خود را قرائت می‌کرد و گاه هم برای شعارهای راهپیمایی‌ها، ابیاتی را به نظم درمی‌آورد. بعد از ترک مصر سالها در پاریس برای تحصیل در رشته جامعه‌شناسی اقامت گزید و در دانشگاه پاریس به تدریس زبان عربی اشتغال یافت. این شاعر نوپرداز در سالهای پرفراز و نشیب زندگی خود، مجموعه‌های شعری ارزشمندی را به نظم درآورد که برخی از آنها عبارتند از: مدینه بلا قلب ۱۹۵۹ - أوراس ۱۹۵۹ - لم یبق إلا الاعتراف ۱۹۶۵ و... (ر.ک: جحا، ۱۹۹۹، ص ۴۳۲، حموده، ۲۰۰۶، صص ۱۲-۱؛ حجازی، ۱۹۶۶، ص ۶؛ حجازی، ۱۹۸۱، ص ۵۲- www.adab.com)

۲-۳- مضامین عاشورایی و حسینی در شعر شاعران مصری

۱-۳-۲- امام حسین در پیوند با حوادث معاصر

در میان دیوان شعری جویده، قطعات شعری متعددی می‌توان یافت که در آن به کربلا و امام حسین پرداخته است. «در ساحت حسین» صریح‌ترین شعر وی خطاب به امام حسین است. این شعر در حقیقت دل‌نوشته‌های شاعر از درد‌های زمانه است. او گریان و مضطرب خود را زائر حرم امام حسین می‌بیند، تنها پناهگاهی که مأمن اندوه و درد بی‌شمار اوست. با آهی در دل و ناله‌ای در گلو، خسته و شکسته از زبان انسانی که قلبش ملامت از سختی‌های روزگار است و تمام رویاها و آرزوهایش را به فراموشی سپرده، زبان به شکوه باز کرده و حسین را ملجأ خود می‌یابد تا مرهمی بر دردهایش باشد. حسین برای شاعر، نقطه‌رهایی از بی‌قراری‌ها و بی‌صبری‌های روزگار است. از این روست که در تنگنای زمانه تنها خود را به بارگاهش می‌رساند و رویای خود را در آنجا می‌یابد:

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۸۷

هِيَ مَا لَنْشَكُو لِمَحْدُ سَلْتَيْنِ فِي .. / رَحَابِكَ كَلَّمَا ضَمَّاقُ أَوْلَ الرَّحْمَانِ / مَنِيَّ الصَّبْرِ أَوْ تَاهَ الْأَمَانُ / جِئْنَا
إِلَيْكَ لِنَشْتَكِي الْأَحْزَانَ فِي زَكَلِنِ الْهَالِكِي / نَبِغِيهِ بَيْتٌ يَجْمَعُ الْأَشْلَاءَ مِنْ هَذَا الطَّرِيقِ لِحُنَا رَحَابِكَ
يَا حُسَيْنُ جِئْنَا إِلَيْكَ لِنَشْتَكِي أَرْضِي طَيْلِقُ الْعُمْرِ فِيهَا لِلْغَرِيبِ طَيْلِدُ مَوْعِ
لَأَهْلِهَا (جویده، لاتا، ص ۲۳۶) بیا تا به حسین شکوه کنیم.. و هربار که زمانه بر من تنگ آید در ساحت
و بارگاه تو هستم (ای حسین) و هر زمان که صبر از کف داده و امنیت و آرامش از بین برود. نزد تو
آمده ایم تا از دردها و غم هایمان در روزگار خفت و خواری به تو شکایت کنیم. تمام آنچه می
خواهیم خانه ای است که نعش ها را از این راه جمع کند. در ساحت تو حاضر شده ایم ای
حسین! نزد تو آمده ایم تا از سرزمینی شکایت کنیم که شیر و خوشی زندگی در آن از آن بیگانگان
است، اما اشک و اندوه را ارزانی ساکنان خود می کند

قطعه "زمن الذئاب" شعر دیگری است که شاعر در آن بار دیگر زبان به شکوه از روزگار باز
می کند. او خود را در ابتدای قصیده، فرزندی به تصویر کشیده که مورد خشم پدر واقع شده
است. خشمی که بیانگر تمام مشکلات او و جامعه اوست. مصیبت هایی که شاعر پس از آن
بر می شمارد و همه آنها را نتیجه انحراف از مسیر و مکتب امام حسین می داند:

وَبَعَثَ تَعْتَبُ يَا وَيْلَيْ طَيْبُ مَنِيَّ بِعَدَاةِ قَاهِلَتِ خُطَايَ عَمَّنِ الْحُسَيْنِيَّ / يَا أَبِي فِي الدَّرْبِ
مَصْلُوبُ الْيَدَيْنِ (همان: ص ۱۸۲)

شاعر از بی رحمی ها و سنگدلی های روزگار خود می گوید که به راستی چون عنوان شعر،
آن را روزگار گرگ ها می نامد. گرگ در شعر او نماد تمام انسان های درنده و گرگ صفتی
است که جز به منافع خویش نمی اندیشند. آن گاه شاعر در پی حاضر کردن امام در عصر
خود است، او با این سوال که آیا امام در عصر شاعر زیسته و آیا در دوران امام پلیدی و
ظلم ستم وجود داشته از یک طرف به شرایط بد و سیاه روزگار خود اشاره می کند و از
طرفی تنها راه نجات از آن را در پیش گرفتن راه امام حسین می داند؛ از همین روست که
هرگونه انحراف از مکتب حسین موجب از دست رفتن سعادت بشری می شود

تاهت خُطاي عن الحُسَيْنِ/عَاشَ زَمَانًا تَرَاهُ ذَاقَ كَوُوسِهِ لِنَاكِهَا فِي أَيَّامِهِ دَجَلَ .. وَ
إِذْ لَأَهْلٌ وَفَنَهْرٌ أَيَّامَهُ دَنَسٌ يَضِيقُ . بِكُلِّ طُهُورٍ لِحَطِيئَتِهِ مَا يَشْفِي كُلَّ مَقْبَرَةٍ
فَبُيُوتِنَا طِلْهُ/أَرْتُمُ مَقَابِرَ لِلْبَشَرِ (همان:ص ۱۸۲)

شاعر در قصیده «با وجود خواست ما... گاه از دست می‌رویم» نیز همان سبک شعر قبل را در پیش می‌گیرد. ساختار و شیوه بیان واحد در کنار وحدت موضوعی از ویژگی‌های این اشعار است. گفتگو میان فرزند و پدر، شکایت ضمنی از شرایط روزگار و سرانجام پناه بردن به امام حسین در تنگناهای زمانه و حضور در بارگاه ایشان و یافتن راه نجات در نزد او ساخت معنایی واحدی است که در اشعار او حاکم است:

إِنَّ ضَاقَتِ الدُّنْيَا عَظِيمَةٌ هُمُومَكَ فِي يَوْمَيْهَا/بِإِلَى قَبْرِ الْجَهَنَّمِيِّينَ لَمَّي رُكْعَتَيْنِ
(همان:ص ۳۱)

دربخش دوم شاعر زندگی خود را با حضور خداوند و تمسک به امام حسین، سرشار از شوق توصیف می‌کند:

وَالعُومَةُ رُؤُوسُ أَشْوَاقٍ يُدَاعِبُ الْمُحْتَمِلِينَ/يَأْتِي مِثْلُ كُلِّ الْعَاشِقِينَ (همان)
اما در بخش سوم آغاز تلخی‌های زمانه و تحقق پیش‌بینی‌های پدر در بخش اول را مجسم می‌سازد، و در ادامه شرایط دشواری را به تصویر می‌کشد که جامعه شاعر شاهد آن است و افراد جامعه را در وضعیت خفقان و بیداد قرار داده است. این شرایط زبان او را به شکوه باز می‌کند و از دردهای خود به پدر می‌گوید و به اشاره منشأ مصیبت‌های زمانه را دوری از طریق انبیا و اولیا و امام حسین معرفی می‌کند و در عین حال راه نجات را اقدامی اساسی و بنیادین می‌داند:

لَا شَيْءَ فَيْكَ مَدِينَتِي غَيْرُ الزَّحَامِ/حَيَاؤُنَا كُنُوا الْمَقْبَلِ/أَنْ يَأْتِيَ الْوَرَحِيلُ/إِلَى الْمَوْتِي أَرَادُوا
الصَّمْتَ .. فِي دُنْيَا الْكَلَامِ قَلْتُ مَا عِنْدِي فَقَالُوا أَنِّي الْجَنُونُ بَيْنَ الْعُقَاظِ/لَوْ بَأْنِي قَدَّ عَصَيْتُ
الْأَنْبِيَاءَ (همان، ص ۳۲)

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۸۹

بازگشت به آنچه از گذشته به او رسیده بواژه‌ها^۱ هلیت^۲ فيه الركعتين بالأمس عدت^۳ إلى الحسين امام حسین و عاشورا در شعر دنقل نیز چون بسیاری از شاعران معاصر در قالب نماد و رمز مطرح شده است. دنقل شعر "من أوراق أبونواس" خود را در هفت بخش سروده که آن را ورق می‌نامد. او در بخش هفتم شعر از کربلا و امام حسین می‌گوید. شاعر در اعتراض به شرایط جامعه خود، از بخش سوم شروع به ترسیم وضعیت سیاسی و خفقان جامعه کرده، از مرگ عزیزان خود می‌گوید و در نهایت به کربلا و امام حسین می‌رسد و در قالب سوال در حقیقت امام را نجات بخش حق از باطل معرفی می‌کند:

كنتُ في كَرِّ بلاءٍ / قال لي الشيخ إن الحُمليتَ / من أجل جرعة ماءٍ وُئسَاءلتُ كُيفَ السيفِ^۴
استباحثُ بني الأَكْفَلِيخَابِ الذي بَصَّرته السَّمالِيفُ اللَّهَبُ المتألِّئُ في كلِّ عینٍ إِنْ تَكُنْ^۵
كلماتُ الحُسَيْنِ يوفُ الحُسَيْنِ بِلالُ الحُسَيْنِ قَبَلتُ دون أن تُنقذَ الحقَّ من ذهبِ^۶
الأمراءِ (دنقل، لاتا، ص ۳۸۵) در کربلا بودم، شیخ به من گفت که حسین بخاطر جرعه ای آب جان داد و من با خود پرسیده‌م چگونه شمشیرها، حریم بزرگ زادگان را پایمال می‌کند. پس کسی که آسمان او را با بصیرت ساخته بود پاسخ داد: او طلایی درخشان است: در هر چشم‌آگر سخنان حسین و شمشیرهای حسین و عظمت و شکوه حسین فرو افتاد بدون اینکه حق را از طلایی حاکمان نجات دهد)

۲-۳-۲- امام حسین (ع) و نمادهای معاصر

در شعر حجازی امام به صورت نماد و در چهره شخصیت‌ها و موضوعات روز مطرح شده است. او در ترسیم سرنوشت امت عربی، کربلا را در عصر خود مجسم می‌یابد. شرایط جامعه و عصر حجازی، برای او تداعی گر کربلای حسین است. قصیده «عوده فبرایر» تنها شعری است که حجازی در آن از امام سخن گفته است. امامی که برای احیای دین و نابودی باطل، ندای "هل من ناصر ینصرنی" سر می‌دهد، اما پاسخ گویی نمی‌یابد و تنها و

بدون یاور با چهره‌ای خاک آلود و تشنه به مبارزه می‌پردازد. شاعر صدای گریه‌ای را می‌شنود که از کربلا به گوش می‌رسد، از حسینی که همچنان تنها در میدان نبرد می‌جنگد. در شعر حجازی و در عصر او فوریه در لباس حسین و چون او فریاد استعانت سر می‌دهد، اما پاسخی نمی‌یابد و سرانجام چون حسین به شهادت می‌رسد. شاعر خود نیز طالب و آرزومند چنین شهادتی است.

كَأَنِّي سَمِعْتُ هَذَا لَوْ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ كَوَاءَ / دَهْ فِي مَكَلَزٍ إِلَى الْوَعْدِ / دَهْ يُقَاتِلُ

(الحجازی، ۲۰۰۱م، ص ۳۶۱)

فوریه در شعر او بیانگر تاریخی است که در ۲۵ فوریه ۱۹۵۴ شورای فرماندهی انقلاب مصر ژنرال محمد نجیب را از ریاست جمهوری برکنار و جمال عبدالناصر عملاً قدرت را در دست گرفت. شاعر در غروب کربلا، تولد جدیدی را شاهد است، که این بار صدای گریه در عصر جدید و از حلقوم عبدالناصر بلند است و بیانگر استمرار مسیر شهادت طلبی و ظلم ستیزی است. او هم رزمان خود را دعوت به صبر و پایداری می‌کند؛ چرا که فوریه شهید، نماد مبارزه و جهاد در راه است:

كَأَنِّي أَشْهَدُ مِيلًا دَا جَدِيدًا فِي الْعُتْمِ مَعُ عَبْدِ النَّاصِرِ الَّذِي بَوَّكَيْهُ / يَقُولُ فِي الْخِطَابِ لِإِخْوَانِهِ / الشَّهِيدَ عَادَ لِلْيَلْبُوبِ لِقَائِي أَحْتَمِلُوا فَإِنَّهُ عَلَى الطَّرِيقِ

(همان)

لذا در شعر شاعران مصری امام بیشتر در ارتباط با دوره آنها و مشکلات و مسائل آن مطرح شده است.

۴- شعر عاشورایی و حسینی معاصر در لبنان

۴-۱- عبدالله العلالی و جورج شکور شاعران برجسته لبنانی

شیخ عبدالله العلالی (۱۹۹۶ - ۱۹۱۴) را می‌توان از عالمان بزرگ جهان اسلام و پیشگامان تجدد و وحدت اسلامی، در بیروت مطرح کرد. وی از جمله اندیشمندان اسلامی و از پرچمداران وحدت اسلامی و پیونددهنده اندیشه‌های دیروز و تجدد امروز هستند. این عالم مسلمان و اهل سنت لبنانی در کنار شیخ محمد جواد مغنیه از عالمان مسلمان شیعه لبنانی در قرن بیستم نقش مهمی در ایجاد وحدت اسلامی داشته است. در سن کم وارد جریان‌های فکری سیاسی شد و در جنبش اسلامی فعالانه شرکت نمود که بیش از هر چیزی در شعرش آشکار شده است. وی معتقد بود ریشه‌های فرهنگ و ادبیات به سلسله درس‌هایی می‌رسد که نهج البلاغه در راس آنها قرار دارد. از آثار اوست: تاریخ الحسین؛ سمو المعنی فی سمو الذات؛ الموسوعه اللغویه؛ و... (العاللی، <http://www.ravy.ir>؛ محمدزاده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶۵؛ العلالی، ۱۹۷۲، صص ۱۰۷-۱۱۰)

جورج شکور (۱۹۳۵) از برجسته‌ترین شاعران عربی ادبی سعید عقل شاعر نام‌آور معاصر است. تاکنون علاوه بر کتاب‌هایی که تصحیح و تنقیح کرده، به صورت مستقل از وی چندین مجموعه شعری متنوع منتشر شده است. و دارای سه اثر برجسته در حوزه ادبیات متعهد است: «حماسه پیامبر»؛ «حماسه امام حسین»؛ «حماسه امام علی (ع)». بسیاری از شاعران و ادبای برجسته عرب و لبنانی در دهه‌های گذشته شعر او را تحسین کرده‌اند. این شاعر لبنانی به جز شعرهای عاطفی، سروده‌هایی درباره وطن و اجتماع نیز دارد. شکور از نخستین کسانی است که شعر مقاومت را در لبنان پایه‌گذاری کرده و همواره در مراحل گوناگون تاریخ معاصر سیاسی لبنان پا به پای مقاومت و جریان‌متعهد و آزادی‌خواه پیش آمده است. او که به دل‌بستگی و شیفتگی شدیدش به امیر مؤمنان و سیدالشهداء (علیهما السلام) تصریح می‌کند، موفقیت خود در مدح اهل بیت را مرهون لطف و یاری الهی می‌داند. وی درباره امام حسین

می‌گوید: من وقتی ایستادگی (امام) حسین در کنار حق و جانفشانی وی را در دفاع از اعتقادش در برابر ظلم را دیدم، به ایشان علاقه مند شدم؛ با صراحت می‌گویم اگر با امام حسین در کربلا بودم در رکاب وی می‌جنگیدم تا به شهادت می‌رسیدم؛ این بزرگترین آرزوی مناست. وی تأکید کرد: با توجه به ظهور شعرای بزرگ شیعه، ولی تا به امروز هیچ‌شاعری حق رسول (ص) و امام حسین (ع) را نتوانسته به خوبی ادا کند. (شکور، ۱۳۸۳، ص ۲۰۹-؛ شکور، ۲۰۰۲، ص ۳۲؛ <http://shia-online.ir>؛ <http://kheimhnews.com/>؛ www.harmonytalk.com.)

۴-۲- امام حسین در شعر علایلی و شکور

۴-۲-۱- نگاه مقاوم و حماسی به شخصیت‌ها

کتاب «الامام الحسین» علایلی به تفصیل درباره نهضت امام حسین و فلسفه قیام وی سخن گفته است. او در این کتاب با تحلیل اوضاع زمان امام، دیدگاه‌های خود را درباره حرکت سیدالشهداء بیان می‌کند. اما اشعار وی درباره حضرت دو قصیده «ذکری الحسین» و «دمعه سنّی علی الحسین» به خوبی نگاه متعالی این نویسنده و شاعر را نشان می‌دهد که امام را فراتر از گرایش‌های فرقه‌ای یافته و عشق خود را به ایشان و انقلابش ترسیم می‌کند. شاعر در این دو قصیده بیش از آنکه به دنبال لفظ پردازی شاعرانه باشد، شعر را قالب بیان اندیشه‌های بلند خود بر می‌گزیند. شعر علایلی از بارزترین توصیفات حماسی شاعران معاصر از امام حسین و کربلاست. در نگاه وی امام سمبل شهادت طلبی و ظلم ستیزی بوده و الهام بخش قیام و مبارزه است. او از شجاعت و دلاوری امام در برابر دشمن، هراس نداشتن از مرگ و ذلت ناپذیری امام می‌گوید. کسی که تمام داشته‌های خود را در راه احیای دین و دفاع از شریعت تقدیم می‌کند:

فهاجَ اَمَّا الحَنُّ کُلَّ وَجِهَةً
و هاج املامَ اَین من کلِّ منتحی

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۹۳

فما قرَّ في وجهه للظلم وما التوى
على مريرة الظلام أوشدة لهوى
أرادوا به ذلاً فكان جولى
رؤيكيث الغاب ح زقّلشرى
سرى جاهداً يستندب الرّوع بغية
كأثالر دى في الذلّ والعيش فى الردى

(محمدزاده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶۵)

(پس امام حقیقت و امام دین از هر سمت و سویی به خروش آمد. ستمکار در برابرش آرام گرفت و در برابر تلخی ستم و یا میل شدید تسلیم شد. ذلت و خواری را برای او خواستند و پاسخ او بسان نعره شیری بود که بسوی بیشه رانده می‌شود. جهادگرانهدر جستجوی نبرد بود. گویی مرگ در فتو حیات و زندگی در مرگ (با عزت) است)

جورج شکور شاعر مسیحی عرب، مجموعه خود را، حماسه حسین می‌نامد و همگام با عنوان در ترسیم عاشورای امام از نگاه سوگ‌سرایانه به مسأله پرهیز کرده، با نگاهی شورانگیز به آن می‌نگرد. شاعر در شعر خود با ترسیم بخش‌هایی از حادثه عاشورا، خون امام را هادی بشریت می‌خواند و به ارائه تصویری جامع از سیمای امام می‌پردازد. تسلیم ناپذیری، شجاعت و قهرمانی از جمله اوصافی است که در ورای اشعار شاعر از امام می‌یابیم. از نگاه او امام اساس آزادی و حریت است:

الم بدأ الحُرُّ سرُّ لا أدنُّه
مُقدَّسٌ ، ولهُمُسلُّ أحرارُ

(شکور، ۲۰۰۹، ص ۳۲)

شکور در پرداختن به شخصیت حضرت زینب نیز آنگاه که ایشان را در مجلس یزید به تصویر می‌کشد، برخلاف بسیاری از شاعران، از وی چهره زنی شجاع و سخنور و ظلم ستیز را ترسیم می‌کند که با تیغ زبان و بلاغت خود به جنگ با باطل می‌رود و عرش قدرت او را به لرزه درمی‌آورد:

غبن البُطولة، آه ، زینب ه تفتدّر مي الكلام كما تصه طك أشفار
أو كالرماح، وقد حرت بها همم
أوسك اللهم إذا ما شد أو أرت

(همان، ص ۳۰)

۲-۲-۴- کربلا نماد مقاومت و حماسه

لذا عاشورای امام حسین نه نماد مظلومیت و کشته شدن و درد و مصیبت؛ بلکه سمبل عزت و شور و حماسه و ایثار و فداکاری است. و کربلا مدرسه مبارزه و مقاومت و قبله ظلم ستیزی مسلمانان معرفی شده است که اگر مسلمانی بخواهد در برابر ظلم زمانه بایستد، باید به کربلا اقتدا کند:

فيا كربلاء كهف الإباء مَجَسَّمَا
ويا كربلاء قد صرت قبلة كل ذي
و يا كربلاء كهف البُطولة والعُلا
سَنَفَتَصَاغِرُ دُونَ مَبْدِئِهَا الدُّنَا
و صيرت بعدَ اليوم رمزاً إلى السَّما

(محمدرزاده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶۵)

جورج شکور نیز در توصیف کربلا، آن را نه موطن مصیبت و بلا و درد؛ بلکه سند حقی می نامد که نشان حضور دائمی خیر و شر، و پیروزی نهایی حق بر باطل است.

يا كَرِبَلاءُ، أَلْزَمْتُ الْعُكُوبَ تَلِيًّا وَأَنْتِ جُرْحٌ عَلَى الْأَيَّامِ عَمَّارٌ؟
لا، لا، قُوَّةٌ تُحْتَقُّ أَقْمَهُ مَدَّةً أَنْ فِي الْخَلْدِ يَفِرَّةُ الْأَشُّوْ أَخْيَارُ

(شکور، ۲۰۰۹، ص ۲۱)

۳-۲-۴- فلسفه نهضت و عزاداری بر آن

در نگاه مقاوم شاعران لبنانی فلسفه نهضت عاشورا و چرایی گریه و عزاداری بر سید شهدا پنهان نمانده است. امری که کاملاً با رویکرد آنان متناسب و هماهنگ است. جورج شکور

در بیان این مطلب و در اشاره به چرایی حادثه، با تضمین کلام امام حسین (ع) می گوید:

مَضَى إِلَى مَكَّةَ الْبَطْحَاءُ مُعْتَزِمًا
لَمْ يَشْهَ نَاصِحٌ، لَمْ تُجْدِ أَعْدَارُ
لَاخِ أَرْجَاءُ أَشْرًا، لَا مُمْسِدًا بَطْرًا
أَمْبَلُّهُ فَيْحُ الْبَالِ دَوَّارُ

(همان، ص ۱۷)

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۹۵

علایلی در شعر (اشک یک سنی بر حسین(ع)، با سبک حواری و گفتگو به دنبال یافتن جوابی برای سوال‌های ذهن خود درباره علت عزاداری و گریستن و خونخواهی شیعیان برای امام حسین است. از این رو آغاز شعرش را با مفهوم خونخواهی شیعیان آغاز می‌کند:

وقفت علی زمرة تائرين ين يكاد الحفاظ يرامى الحمم

(العلایلی، ۱۹۷۲، ص ۱۰۹)

و پس از گفتگویی که میان او و شیعیان اتفاق می‌افتد و سخنان آنان را در علت سوگواری بر امام و نهضتش می‌شنود، با رسیدن به جواب و قانع شدن، خود نیز در زمره عزاداران حسین قرار می‌گیرد:

فَطَرَّبْتُ لِمَا فَهَمْتُ الرُّمُو زَ وَأَرْسَلْتُ دُمِّي فَوْقَ الرُّمَمِ

(همان)

نتیجه

بررسی شعر عاشورایی و حسینی در اشعار برخی شاعران برجسته سه کشور مورد بحث حاکی از آن است که با توجه به نوع نگاه شیعی موجود در عراق و لبنان به خصوص جنوب لبنان، مضامین حسینی در این دو کشور برجسته تر نمود یافته و شاعران بسیاری به خصوص در عراق در این حوزه استعداد خود را شکوفا ساخته اند. وجود شاهکارهای شعر عاشورایی که با صبغه نوگرایی به عنوان یک جریان قابلیت مطرح شدن دارند، تنها در عراق معاصر قابل ملاحظه است؛ چراکه در میان عرب کمتر شاعری را می‌توان یافت که یک دفتر شعری خود را منحصر به عاشورا کرده باشد؛ لذا دفتر جمیل، اثری مستقل و بی بدیل در حوزه ادبیات آیینی عربی است که از نظر محتوا و ساختار زبانی نمونه‌ای مشابه در ادبیات عربی ندارد.

از دیگر ویژگی‌های مشترک و قابل توجه در شعر شاعران عراق و لبنان کاربرد دو رویکرد نمادگرایی و صراحت‌گویی در بیان مضامین حسینی است. بدین معنی که برخی به عاشورا به عنوان یک موضوع اصلی نگریسته و برخی دیگر -هرچند اندک- در پرداختن به دیگر موضوعات از عاشورای امام بصورت نمادین بهره برده اند.

در حالی که مصر با توجه به شرایط اقلیمی و دینی و سیاسی خود در اقبال شاعران به مضامین حسینی چندان برجسته نمی‌نماید و شاعران آن با پرهیز از صراحت‌گویی تنها بخشی جزئی از اشعار خود را به موضوع اختصاص داده‌اند. کربلا و امام در شعر ایشان اغلب نمادی است برای بیان دردها و مشکلات و چالش‌های معاصر. یکی دیگر از تمایزات شعر حسینی لبنان در مقایسه با مصر و کشورهای چونی فلسطین نگاه حماسی و انقلابی شاعران به عاشورا و امام حسین (ع) است. بررسی اشعار انتخابی ایشان نشان از نگاه دقیقتر شاعران برای کشف چرایی و فلسفه وقوع عاشورا و تداوم آن در طول تاریخ است.

یادداشتها

۱- فایل صوتی این نمایشنامه به همراه متن کامل آن در سایت مربوط به شاعر <http://www.abdulrazzak.com> آمده است. اشعار وی نیز از همین سایت گرفته شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- انصاری، نرگس، (۱۳۸۹)، عاشورا در آینه شعر معاصر، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، چاپ اول.
- ۲- الحجازی، عبدالمعطی، (۲۰۰۱م)، دیوان، بیروت: دارالعودة، لا ط.
- ۳- الحسن، عبدالله، (۱۴۱۸ق)، لیلۃ عاشوراء فی الحدیث و الأدب، ط ۱.
- ۴- حموده، حنان محمد موسی، (۲۰۰۶م)، الزمکانیة و بنیة الشعر المعاصر (احمد عبدالمعطی حجازی، نموذجاً)، الأردن: عالم الکتب الحدیثیة، لا ط.
- ۵- جحا، خلیل میثال، (۱۹۹۹)، الشعر العربی الحدیث، بیروت: دارالعودة، ط ۱.

نمود تمایزات منطقه‌ای در محتوا و زبان شعر عاشورایی معاصر: نقد و تحلیل شعر عراق، مصر، لبنان ۱۹۷

- ۶- خزعلی، انسیه، (۱۳۸۳)، امام حسین در شعر معاصر عربی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۷- دنقل، أمل، (لاتا)، الاعمال الشعرية، مصر: مكتبة مدبولی، (لاط).
- ۸- شکور، جورج، (۲۰۰۲م)، ملحمة الحسين، بیروت، (لاط).
- ۹- العلالی، عبدالله، (۱۹۷۲م)، الإمام الحسين، بیروت: دارالمکتبة التریبة، طبعه جدید.
- ۱۰- محمد زاده، مرضیه، (۱۳۸۶)، دانشنامه شعر عاشورایی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، چاپ دوم.
- ۱۱- نورالدین، حسن، (۱۴۰۸هـ)، عاشورا فی الأدب العاملی المعاصر، بیروت: الدارالاسلامیة، ط ۱.
- ۱۲- الحجازی، عبدالمعطی، (۱۹۶۶)، «عن تجربتی الشعریة»، مجلة الآداب، العدد ۳، سنة ۱۴.
- ۱۳- -----، (۱۹۸۱م)، «أنا و صلاح عبدالصبور والمدن»، مجلة الكرمل، العدد ۴۴.

منابع مجازی

- ۱- جویده، فاروق، (لاتا)، دیوان، <http://adabalarabi.blogspot.com>
- ۲- الجنوب بین نزار قبانی و جواد جمیل - - منتدی و ماسنجر الحوزة <http://www.jamil.htm>
- ۳- شعر لبنان متأثر از مقاومت و عاشورا است: www.Seratnews.Ir شهریور ۱۳۹۰.
- ۴- جواد جمیل، www.albahrainprize.org/Encyclopedia
- ۵- جواد جمیل www.tebyan.net
- ۶- جمیل، جواد، الحسين لغة ثانية، <http://www.iraqcenter.net/vb/11577.html>
- ۷- عبدالواحد، عبدالرزاق، <http://www.saihat.net/vb/archive/index.php>
- ۸- عبدالرزاق عبدالواحد، <http://www.abdulrazzak.com>
- ۹- قربانی، امیر، ریشه مقاوم لبنان را باید در قیام ابا عبدالله جستجو کرد، www.sedayeshia.com/showdata ۱۳ آذر ۱۳۹۰.
- ۱۰- فاروق جویده، www.adab.com
- ۱۱- عبدالله العلالی، <http://www.ravy.ir>؛
- ۱۲- شکور، جورج، (۱۳۸۳)، "لوکان للقلب الوفی"، رسالة التقرب، ش ۶، صص ۲۰۹-۲۱۸؛ <http://shia-online.ir>
- ۱۳- جورج شکور: <http://kheimhnews.com/vdcjxmev.uqe8azsffu.html>
- ۱۴- سفیر فرهنگی لبنان، ۱ آذر ۱۳۸۸، www.harmonytalk.com

تجليات الاختلافات الإقليمية في مضامين شعرعاشوراء المعاصرولغته

دراسة نقدية في شعر العراق، مصر، لبنان

الدكتورة نرجس الأنصاري^١

الملخّص

تتمايز البلدان العربية في رؤيتها تجاه عاشوراء و الإمام الحسين (ع) بناء لظروفها السياسية و الاجتماعية المختلفة و هذا التمايز يزداد عندما تقترب البيئة المعاصرة من البيئة العربية في القرن الأوّل أكثر من سابقه. و لذلك يختلف الأدب في كل بلد عربي عن غيره في حديثه عن عاشوراء و ما فيه من رموز. تحذف هذه المقالة دراسة الشعر الحسيني المعاصرلغته و مضموناً و موقف الشعراء الخاص و التمايز تجاه الامام الحسين (ع) و تحضته الخالدة في إطار المناطق الإقليمية معتمدة على منهج وصفي -تحليلي إلا أنّ المجال لم يتح لنا أن نقوم بدراسة الشعر العربي في جميع أنحاء لسعتها و تمايزها في ظروفها السياسية و الاجتماعية. فدفعنا ذلك إلى اختيار ثلاثة منها العراق، مصر و لبنان إذ إنّها تعدّ الحجر الأساس للأدب العربي المعاصر. أهم ما وصل اليه هذا البحث هو أن الشعر العراقي و اللبناني يشهدان حضوراً بلزماً للموضوعات الحسينية كما يتمايزان عن الشعر المصري بالصرحة و الرمزية إذ الشعر المصري تناول عاشوراء و مضامينه جزئياً إضافة الى رمزيتها البحتة لما تشهد بيئته من ظروف خاصة. و منها أنّ الشعر اللبناني تميّز بصيغته الملحمية و الثورية.

الكلمات الرئيسية: شعر عاشوراء، العراق، مصر، لبنان.

^١ - أستاذة مساعدة بجامعة الإمام الخميني الدولية - قزوين